خرچنگ برنخورده باشید... بنابراین نمی‌دانید یك خرچنگ رقاص سرحال یعنی چه!»

آلیس گفت:

«نه، نمی‌دانم. چه نوع رقصی می‌کند؟»

لاك‌پشت مسخره گفت:

«نوعی رقص است که در ساحل دریا انجام می‌گیرد. آیا میل دارید قسمتی از آنرا ببینید؟»

آلیس گفت:

«بله، البته.»

لاك‌پشت مسخره به گریفون گفت:

«بیا با هم شروع کنیم! می‌دانی که، بدون وجـود خرچنـگ‌ها هم می‌توانیم برقصیم. چه کسی باید آوازش را بخواند؟»

گریفون گفت:

«تو آواز بخوان. من شعر آنرا به خاطر ندارم.»

بدین ترتیب لاك‌پشت مسخره شروع به خواندن آواز نمود و آنها با وقار خاصی در اطـراف آلیس به رقص پرداختنـد. گاهگـاهی پای او را لگـد می‌کردند و با پنجه‌هایشان، ضربه‌هائی را نشان می‌دادند.

هنگامی که رقص آنها تمام شد، آلیس نفس راحتی کشید و گفت:

«متشکـرم، رقص قشنگی بود. من آن آواز قشنگی را که دربـارهٔ ماهی‌های وایتینگ است دوست دارم!»

لاك‌پشت مسخره گفت:

«آه ماهی‌های وایتینگ، نمی‌دانم آن صدای بلند از کجا می‌تواند باشد، اما اگر آنها را دیده باشید، البته خواهید فهمید که به چه چیزی شباهت دارند.»

آلیس با لحن متفکرانه‌ای گفت:

«قبول دارم. دم آنها نزدیك دهانشان است... و همه جای آنها خاکی است.»

لاك‌پشت مسخره گفت: